

بسم الله الرحمن الرحيم

غوغایی بر بام جهان

خاطرات یکی از مشاورین و منتقدین
رهبران القاعده و طالبان در جنگ‌های افغانستان

مصطفی حامد (ابوالولید المصری)

مترجمان: دکتر سید محمود میرزایی الحسینی، دکتر عبدالعلی آل بویه لنگرودی،
علی چراغی، سید علی مرتضوی



مؤسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

غوغایی بر بام جهان

مصطفی حامد (ابوالولید المصری)
مترجمان: دکتر سید محمود میرزایی الحسینی، دکتر عبدالعلی آل بویه لنگرودی،
علی چراغی، سید علی مرتضوی
سرپرست ترجمه: احمد برادری
ویراستار: فروزنده سعادت‌مند
طرح روی جلد: کیانوش غریب‌پور
زیر نظر شورای بررسی
صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)
چاپ و صحافی: قدیانی
چاپ اول، ۱۳۹۰ ● ۲۰۰۰ جلد
شابک: ۰-۳۷۷-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸
کلیه حقوق محفوظ است.



مؤسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه‌ی اول غربی
تلفن: ۰۴۱۰۰۶۶۴ ● تلفکس: ۰۶۶۴۶۸۲۶۳ ● صندوق پستی: ۱۶۱۶-۱۳۱۴۵
www.zekrpublishery.com
Email: zekr_publishery@yahoo.com

سرشناسه: حامد، مصطفی

عنوان قراردادی: اثره فوق سقف العالم من حوادث المجاهدين العرب فی افغانستان. فارسی.
عنوان و نام پدیدآور: غوغایی بر بام جهان: خاطرات یکی از مشاورین و منتقدین رهبران القاعده و طالبان در جنگ‌های
افغانستان / مصطفی حامد (ابوالولید المصری)؛ مترجمان محمود میرزایی الحسینی... (و دیگران).

مشخصات نشر: تهران: ذکر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۳۲۰ ص.

شابک: ۰-۳۷۷-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: مترجمان محمود میرزایی الحسینی، عبدالعلی آل بویه لنگرودی، علی چراغی، علی مرتضوی.

عنوان دیگر: خاطرات یکی از مشاورین و منتقدین رهبران القاعده و طالبان در جنگ‌های افغانستان.

موضوع: حامد، مصطفی - خاطرات.

موضوع: افغانستان - تاریخ - اشغال روسیه شوروی، ۱۳۵۸ - ۱۳۶۸ - خاطرات.

شناسه افزوده: میرزایی الحسینی، محمود، ۱۳۵۰، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ آ ۲۱۳ ح / ۳۷۱ DS

رده‌بندی دیویی: ۹۵۸ / ۱۰۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۲۸۸۱۲

فهرست

۳	مقدمه‌ی ناشر
۵	زندگی‌نامه و سوابق مبارزات مصطفی حامد
۷	دیدگاه مصطفی حامد (ابوالولید المهدی) - که همواره یکی از منتقدین سرسخت اسامه بن لادن بوده - در مورد عمده‌ترین اشتباهات و نقطه‌ضعف‌های سازمان القاعده
۹	مقدمه
۱۳	فصل اول
۲۵	فصل دوم
۴۹	فصل سوم
۲۶۴	سیاستمداران حرفه‌ای
۳۲۱	مسلمانان عرب باید کنار گذاشته شوند!
۳۳۶	باز هم در افغانستان... «رمضان کریم»
۳۴۰	مسئله افغانستان در حال حل شدن
۳۴۲	فشارهای نظامی
۳۴۳	تشنج و ناآرامی مرزها
۳۴۹	اهمیت استراتژیک ایالت پکتیا:
۳۵۰	اهداف سیاسی مورد نظر از این نبرد
۳۵۲	موقعیت جغرافیایی
۳۵۴	مجله صراط، شماره ۲۳، ماه دسامبر
۳۶۷	جمعه دوازدهم رمضان ۱۴۰۵ هجری برابر با اول ژوئن ۱۹۸۵
۴۰۰	«خوست» گورستان ژنرال‌ها
۴۰۳	پکتیا - سالانج
۴۰۴	«جاور» و «الجنة»
۴۰۵	تانکی بر بلندی کوه

۴۰۶	روی همسرش شرطبندی می‌کند
۴۰۷	جاجی و فساد سیاسی
۴۰۸	ثروتمندان به عقب بر می‌گردند
۴۰۹	تأمین امنیت فرودگاه خوست
۴۱۰	محاسن نبرد
۴۱۱	دروغی ویرانگر
۴۱۲	پایان کار شاه نواز
۴۱۳	نشست بردگان
۴۶۰	دولت جاسوسان
۴۶۷	تفسیرهایی بر این گزارش
۴۷۱	جنگ متقابل بر ضد اسلام در پاکستان
۴۸۴	ایدز در میان مهاجران
۴۸۷	اسرائیل در پاکستان
۶۲۵	وضعیت سیاسی افغانستان؛ سال ۱۹۸۷
۶۲۶	ابزارهای عملی کردن طرح روس‌ها
۶۲۸	زمینه سیاسی
۶۲۸	زمینه نظامی
۶۳۰	مواضع اعراب پشتیبانی‌کننده مجاهدان
۶۳۱	مواضع پراکنده اعراب
۶۳۳	اوضاع مالی مسئول دفتر
۶۳۴	در حاشیه گزارش
۶۴۷	خوست... مسیری لغزنده و موشکهای جدید
۶۸۲	تنها در میان همه
۶۹۳	خوست - اردوگاه فاروق
۷۱۰	نبرد جاده زدران... نقطه عطف جهانی
۷۱۴	یک بار دیگر... جنگ و سیاست
۷۱۷	تبلیغات جهانی در جنگ جاده زدران
۷۲۴	نگاهی گذرا به اخبار مندرج در مطبوعات و خبرگزاری‌ها
۷۳۸	تاریخ... اولین قربانی دروغ
۷۴۰	یک کلاغ در میان بلبلان

۷۴۳ کمیته نظامی چیست؟
۷۴۸ حکومتی که برکسی حکم نمی‌راند
۷۵۸ راه طولانی تورگار
۷۸۳ از جنگ تا سخنرانی و تدریس
۷۸۹ آمریکا فرزندان خود را می‌بلعد
۷۹۴ پیوستگی حوادث تاریخی
۷۹۷ قندهار شهر فریب خورده
۸۰۰ ساختن آینده
۸۰۱ سال عقب‌نشینی‌های بزرگ
۸۰۳ غم و اندوه در مسکو
۸۰۶ پرگویی‌های یک مادر فرزند مرده
۸۱۶ حماقت بزرگ سال ۱۹۸۹ میلادی
۸۲۵ تشکیل دولت موقت مجاهدان در راولپندی
۸۳۹ نحوه پراکندگی عربها قبل از جنگ ذی‌الحجه
۸۹۶ خطاب به مسئولان امر
۱۰۳۳ خوست شهری که در محاصره متولد شد
۱۰۴۱ تور غار... آخرین بار
۱۰۶۱ حنیف شاه کیست؟
۱۰۷۱ تور غار... آخرین نبرد
۱۰۹۸ وجوه اشتراک جنگهای خوست و تور غار
۱۱۰۱ اصلاح تاکتیک
۱۱۰۲ برتری موضعی
۱۱۰۴ تانک فیروز
۱۱۰۵ اهمیت تور غار
۱۱۲۰ کودتایی که انتظارش می‌رفت
۱۱۲۴ کودتای منتظر
۱۱۲۶ عقب‌نشینی‌های عقیدتی
۱۱۲۷ ناکامی در خوست
۱۱۳۵ یادداشت‌هایی در مه
۱۱۳۷ ملاحظاتی پیرامون تورغار

۱۱۴۰ دوره سیاسی
۱۱۴۳ اسلام... سیاست... جهاد
۱۱۴۴ فکر... و جنگ
۱۱۴۷ فرودگاه - ۹۰
۱۱۴۸ سخنی در آغاز جنگ
۱۱۵۰ فصل اول: وضع موجود
۱۱۵۴ مواضع مقاومت افغانستان
۱۱۵۶ به دست آوردن مجدد ابتکار عمل
۱۱۵۶ نقاط قوت و ضعف مجاهدان
۱۱۵۸ فصل دوم
۱۱۵۹ نقاط ضعف مجاهدان مستقر در اطراف خوست
۱۱۶۰ عرصه‌های عملیات نظامی
۱۱۶۱ فصل سوم
۱۱۶۴ تکامل مثبت
۱۱۶۸ با خانواده به سوی جبهه
۱۲۱۵ غمهای بزرگ مادر
۱۲۴۱ نقشه عملیات فرودگاه ۹۰
۱۲۴۲ مقدمه‌ای بر روز شمار درگیری در طول عملیات
۱۲۴۹ شب فراموش نشدنی دوم
۱۲۵۳ شب فراموش نشدنی سوم
۱۲۵۸ هواپیماها غیب شدند و ما در حیرت فرو رفتیم
۱۲۶۳ شبی برتر از دیگر شبها
۱۲۹۳ یک شبانه روز پر از کرامات
۱۳۰۰ بهترین شب
۱۳۱۵ آخرین تحولات در اینجا
۱۳۱۹ آخرین نامه

مقدمه‌ی ناشر

موضوعی که همواره مد نظر کارشناسان و آگاهان سیاسی بوده است شناسایی تحولات فکری گروه‌های اسلامی و به عقیده بعضی از آنان، گروه‌های افراطی و بنیادگرا - در خلیج فارس و خاورمیانه بوده است که عمدتاً آن را در سه شکل و قالب فکری دسته‌بندی می‌کنند.

۱. تشکیل دولت غاصب اسرائیل در خاورمیانه و آغاز مبارزه گروه‌های فلسطینی در کنار مطرح شدن ناسیونالیسم عرب از سوی جمال عبدالناصر که به عنوان اولین تحول فکری گروه‌های افراطی در جهان عرب محسوب می‌گردد.

۲. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و وارد شدن اسلام به عنوان یک اندیشه سیاسی که توانست الگوهای دیگر مطرح شده در صحنه روابط بین‌الملل را به چالش بکشد. گروه‌های افراطی و یا به تعبیر ادبیات رایج در جهان غرب بنیادگرایان اسلامی، تحت تأثیر اسلام سیاسی و به دنبال سرخوردگی از شکست ناسیونالیسم عرب، دومین تحول عمده فکری را مورد پذیرش قرار داده‌اند.

از جمله تفاوت‌های مهمی که می‌توان در خصوص تحولات فکری گروه‌های افراطی تحت تأثیر ناسیونالیسم عرب و اسلام سیاسی مورد نظر قرار داد، بُرد جغرافیایی دو تحول ذکر شده می‌باشد که در اندیشه ناسیونالیسم عرب مطرح شده از سوی جمال عبدالناصر، جغرافیای جهان عرب تحت تأثیر اندیشه مذکور قرار گرفت اما در اندیشه اسلام سیاسی، کل جهان اسلام با ضرایب مختلف تأثیرپذیری مذکور را پذیرا گردیدند.

۳. بسیاری از آگاهان منطقه و کارشناسان و پژوهشگران سیاسی بر این اعتقادند که جنگ اول خلیج فارس و آزادسازی کویت که از سوی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به وقوع پیوست موجب سومین تحول عمده فکری گردیده که جهان اسلام به طور اعم و گروه‌های افراطی که بیشتر از اهل تسنن می‌باشند به طور اخص با آن مواجه گردیده‌اند، زیرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش جهاد در افغانستان به ویژه پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و اشاعه گسترده فرهنگ جهاد و شهادت در جهان اسلام، زمینه برای فعالیت داوطلبان جهان اسلام به ویژه جنبش‌های مذهبی و اهل سنت در بسیاری از کشورهای اسلامی و جهان عرب از جمله در صحنه‌های جهاد افغانستان به کمک دولت پاکستان در زمان ضیاءالحق، زمینه‌های حمایت مالی عربستان سعودی را فراهم کرد.

عناصری از جنبش‌های مذکور در پاکستان اقدام به تأسیس مراکز فرهنگی نمودند. از سوی دیگر عده زیادی از جوانان عمدتاً عرب وابسته به جنبش‌های مختلف اهل سنت با همکاری گروه‌های مختلف جهادی در صفوف

مقدمه‌ی ناشر ۳

مجاهدین در جهاد بر علیه حکومت کمونیستی شرکت نمودند.

با توجه به اینکه بسیاری از دولتهای کشورهای اسلامی و عرب جهاد بر علیه کمونیستها و تجاوز نیروهای شوروی را جایز می‌دانستند لذا این گونه دولتها هیچ‌گونه ممانعتی را برای داوطلبان حضور در جبهات افغانستان به وجود نمی‌آوردند.

پس از اشغال افغانستان توسط شوروی سابق، جوانان مسلمان بسیاری از کشورهای اسلامی^۱ که عرصه داخلی را برای فعالیت سیاسی تنگ می‌دیدند در قالب گروههای مختلف به صورت داوطلب از کشورهایی مانند عربستان، یمن، مصر، مغرب، الجزایر، اردن، کویت، تونس و... بانگیزه اخراج کافران از سرزمینهای اسلامی به افغانستان عزیزت کرده و در عملیاتهای مختلف توانستند نقش مهمی در دوران جهاد در کنار مجاهدین افغان در اخراج نیروهای اشغالگر ایفا نمایند.^۲

پس از پیروزی مجاهدین افغان بسیاری از این داوطلبان عرب به کشورهای خود و یا برخی از کشورهای اروپایی رفته و با کوله‌باری از تجارب انقلابی - نظامی و عملیات کوماندویی اقدام به سازماندهی خود در قالب گروههای عملیاتی به منظور ضربه زدن به منافع آمریکا و... نمودند که به موج دوم یا هسته‌های خاموش نیروهای القاعده موسوم گردیدند.^۳

کتابی که پیش روی دارید حاوی خاطرات یکی از داوطلبان عرب در جریان جهاد افغانستان می‌باشد که شامل تاریخ دوران جهاد از دید یک عرب افغان شامل چگونگی حضور این نیروها در کنار مجاهدان افغانستان می‌باشد.

مؤسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

۱. امیر عبدالله ولیعهد عربستان سعودی در مصاحبه‌ای اظهار می‌دارد: «سعی کردیم ایمان و عقیده جوانانمان را قوی کنیم تا در افغانستان با کمونیسم رویارویی کنیم ولی این گونه نشد و تصور نمی‌کردیم کار به اینجاها کشیده شود.»

۲. تعداد این نیروها به بیش از ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

۳. روزنامه عکاظ در مصاحبه خود در آذر ماه ۸۳ با شیخ عبدالمحسن العبیکان مشاور وزارت دادگستری و بازرس قضایی این وزارتخانه در عربستان وی اظهار داشت: «در زمان جنگ در افغانستان، درهای خیریه و تبرعات برای کمک به این کشور گشوده شد تا حدی که بعضی از مردم برای یک رهبر افغان و بعضی دیگر برای رهبر دیگر افغان، کمک جمع‌آوری می‌نمودند و بدین سان هر فردی با کیف‌هایی حاوی میلیونها وجه، راهی افغانستان می‌شد و کسی نمی‌پرسید که تو با این اموال کجا می‌روی... این خطای بزرگی است که انجام شد.

ما آثار این‌گونه اقدامات را از جمله بازگشت اسلحه‌ها به کشورمان و دیگر کشورها و نیز آموزش نظامی به جوانان و ساختن مواد منفجره را دیده‌ایم، اگر چه همه اینها به خودمان بازگشت!»

زندگی نامه و سوابق مبارزات مصطفی حامد

در سال ۱۹۴۵ در استان الشریقه و در شهر بلبیس مصر به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۹ از دانشگاه اسکندریه و دانشکده‌ی فنی مهندسی در رشته‌ی مهندسی میکانیك فارغ‌التحصیل شد.

در دهه‌ی هفتاد، با چندین روزنامه‌ی ملی ابوظبی همکاری داشت. در سال ۱۹۷۸ که اسرائیل به جنوب لبنان حمله نمود، او در صف مقاومت فلسطین (حرکت فتح) بر علیه اسرائیل متجاوز جهاد نمود.

از سال ۱۹۷۹ و حتی قبل از تهاجم شوروی به افغانستان او در جنگ‌های افغانستان شرکت داشت و خاطرات و جریانات این جنگ را به رشته‌ی تحریر در آورده است.

اولین بار در ژوئن ۱۹۷۹ وارد افغانستان شد و در این سفر بود که در منطقه‌ی سرانا نزدیک گردیز با مولوی جلال‌الدین حقانی آشنا شد و از آن زمان تا آوریل سال ۱۹۹۲ که گردیز آزاد شد، در کنار او جنگید. چند ماه بعد از این اتفاق کابل نیز به دست مجاهدین آزاد شد.

در سال ۱۹۷۹ در پیشاور با مولوی محمد یونس خالص رهبر حزب اسلامی افغانستان آشنا شد. آشنایی او با عبدالرسول سیاف، زمانی اتفاق افتاد که سیاف در سال ۱۹۸۰ به همراه چند تن از مجاهدین عرب به ابوظبی مسافرت نمود اما بعدها وقتی دید که سیاف از منصب خود به عنوان رهبر اتحاد احزاب جهادی سوء استفاده نمود و حزب اتحاد اسلامی را تأسیس کرد، از این اقدام سیاف انتقاد نموده و دوستی میان آن دو به پایان رسید.

در همان سال یعنی در ۱۹۸۰ در ابوظبی با رهبر حزب حرکت انقلاب اسلامی مولوی نصرالله منصور آشنا شد و دوستی آن دو به دلیل اتفاق نظر در مورد مسائل افغانستان ادامه یافت تا این که مولوی نصرالله منصور بعد از واقعه‌ی آزادسازی کابل در سال ۱۹۹۲، توسط افراد حکمتیار در پاکستان ترور شد.

او بیشترین وقت خود را در جهاد در صف جماعت حقانی سپری کرد که در چندین عملیات در گردیز و اورگون در ولایت پکتیکا و خوست شرکت داشت.

در سال ۱۹۸۵ به همراه خانواده خود در پاکستان ساکن شد و در آنجا مسئول مدیریت دفتر روزنامه‌ی الاتحاد را تا نیمه‌ی سال ۱۹۸۶ بر عهده داشت. بعد از آن هم تا سال ۱۹۹۰ برای روزنامه‌ی الاتحاد و برخی روزنامه‌ها و